

مدیرکل گردشگرمازندران در گفت و گو با سرآمد:

حضور گردشگران تابستانی در مازندران تداوم دارد

آمار نهایی سفرها هنوز اعلام نشده است



مدیرکل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران با اشاره به تداوم حضور گردشگران در استان گفت: با وجود پایان یافتن بخش عمده‌ای از تعطیلات تابستانی، همچنان گردشگران در مازندران حضور دارند و پیش‌بینی می‌شود این روند تا روزهای پایانی شهریور و حتی روزهای ابتدای مهر ادامه داشته باشد.

حسین ایزدی در گفت‌وگو با اقتصاد سرآمد درباره آخرین وضعیت گردشگری تابستانی مازندران اظهار کرد: آمار نهایی گردشگری تابستان هنوز از سوی سامانه مرکزی اعلام و تحلیل نشده است و در حال حاضر نمی‌توان آمار دقیق و نهایی از تعداد گردشگران ارائه کرد.

مدیرکل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران افزود: بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد میزان حضور مسافران در برخی شهرهای ساحلی مانند نوشهر و بابلسر نسبت به روزهای اوج تابستان کاهش یافته، اما همچنان ظرفیت برخی هتل‌های استان تکمیل است.

این مقام مسئول در استان مازندران ادامه داد: در حال حاضر ممکن است در برخی هتل‌های استان امکان پذیرش مسافر وجود نداشته باشد، چراکه بخشی از مراکز اقامتی تا هفته اتی تکمیل ظرفیت هستند.

وی با اشاره به تکمیل ظرفیت هتل‌های ۵ ستاره و ۴ ستاره در استان مازندران گفت: به طور مثال هتل ۵ ستاره آراز در نوشهر هم اکنون از ظرفیت ۱۱۰ درصدی برخوردار است چرا که این هتل برای پاسخگویی به حضور گردشگران مجبور به اضافه کردن تخت‌های هتل خود شده است.

ایزدی با اشاره به تداوم حضور گردشگران تابستانی در استان مازندران، بیان داشت: پیش‌بینی می‌شود تا پایان هفته جاری نیز شاهد حضور گردشگران باشیم و سپس به تدریج از استان خارج شوند، با اتمام خروج کامل گردشگران می‌توان آمار نهایی از ورود گردشگران از ابتدای خرداد ماه تا دهم مهر ماه را منتشر کرد.

مدیرکل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران در ادامه گفته‌های خود تصریح کرد: انتظار می‌رود در دو هفته نخست مهرماه و با کاهش سفرها، شرایط برای پذیرش گردشگران و اقامت در استان آرام‌تر شود.

وی با اشاره به وضعیت اقامتگاه‌های بوم گردی گفت: در مقابل، میزان فعالیت برخی اقامتگاه‌های بوم گردی کاهش یافته است؛ چراکه بخشی از مسافرانی که در روستاها و اقامتگاه‌های بوم گردی حضور داشتند، به محل زندگی خود بازگشته‌اند.

مدیرکل اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان مازندران خاطر نشان کرد: با این حال، همچنان برخی هتل‌های استان، به‌ویژه هتل‌های بزرگ، از ظرفیت بالایی برخوردارند و تا روزهای پایانی شهریور پذیرای گردشگران هستند.



سراسر گروه راهبردی- مرتضی فاخری - بحران‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه تنها قیمت نفت و گاز یا امنیت کشتیرانی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند، بلکه می‌توانند ساختار جغرافیایی انتقال انرژی را نیز تغییر دهند. هنگامی که یک مسیر حیاتی برای مدت طولانی با اختلال مواجه می‌شود، کشورهای که پیش از آن به دلیل هزینه بالا یا نبود ضرورت اقتصادی به مسیرهای جایگزین توجه چندانی نداشتند، ناچار می‌شوند گزینه‌های دیگری را فعال کنند. به همین دلیل، یک بحران می‌تواند هم‌زمان دو اثر متفاوت ایجاد کند: در کوتاه‌مدت اهمیت یک گلوگاه انرژی را افزایش دهد و در بلندمدت، انگیزه سایر بازیگران برای کاهش وابستگی به همان گلوگاه را تقویت کند.

تنگه هرمز مهم‌ترین نمونه این وضعیت است. این ابراه همچنان یکی از حیاتی‌ترین مسیرهای انتقال انرژی جهان محسوب می‌شود و بخش قابل توجهی از نفت و گاز صادراتی کشورهای خلیج فارس از آن عبور می‌کند. اهمیت فیزیکی هرمز به دلیل موقعیت جغرافیایی آن در آینده نزدیک از بین نخواهد رفت، اما بحران‌های طولانی می‌توانند ارزش سیاسی وابستگی به آن را تغییر دهند. هر چه صادرکنندگان و واردکنندگان انرژی مسیرهای جایگزین بیشتری در اختیار داشته باشند، توانایی هر بازیگر برای استفاده از این وابستگی به عنوان اهرم فشار نیز محدودتر خواهد شد.

این روند را می‌توان «فرسایش تطبیقی اهرم گلوگاه» نامید؛ مفهومی که بر تفاوت میان اهمیت فیزیکی یک گلوگاه و ارزش سیاسی وابستگی به آن تأکید دارد. تنگه هرمز ممکن است همچنان مسیر اصلی انتقال انرژی باقی بماند، اما اگر بخشی از صادرات بتواند از خطوط لوله، پایانه‌های جایگزین یا مسیرهای زمینی عبور کند، میزان آسیب‌پذیری کشورهای وابسته کاهش خواهد یافت. از همین نقطه است که بحران از یک رویداد امنیتی به عاملی برای بازآرایی جغرافیای انرژی تبدیل می‌شود.

«هرمز» گلوگاهی که دیگر تنها گزینه نیست

اهمیت تنگه هرمز در درجه نخست از جغرافیا ناشی می‌شود. بخش بزرگی از نفت و گاز تولیدشده در کشورهای جنوبی خلیج فارس برای رسیدن به بازارهای جهانی به این ابراه وابسته است. به همین دلیل، هرگونه اختلال جدی در تردد کشتی‌ها می‌تواند هزینه بیمه، حمل‌ونقل و تامین انرژی را افزایش دهد و بازارهای جهانی را تحت تأثیر قرار دهد. با این حال، این واقعیت به معنای آن نیست که تمام صادرات انرژی منطقه در برابر بحران کاملاً بدون گزینه جایگزین هستند.

عربستان سعودی طی سال‌های گذشته زیرساخت‌هایی را توسعه داده که امکان انتقال نفت به دریای سرخ را فراهم می‌کنند. خط لوله شرق - غرب و پایانه نینع از مهم‌ترین نمونه‌های این زیرساخت‌ها هستند. در شرایط عادی، مسیر دریایی از خلیج فارس ممکن است از نظر هزینه و ظرفیت گزینه جذاب‌تری نباشد، اما در زمان بحران، ارزش خط لوله‌ای که بتواند بخشی از صادرات را از تنگه هرمز دور کند، به‌مراتب افزایش می‌یابد. همین موضوع نشان می‌دهد که زیرساختی که در دوره ثبات ممکن است یک «بیمه پرهزینه» تلقی شود، در دوره بحران به یک دارایی راهبردی تبدیل می‌شود.

امارات متحده عربی نیز از طریق خط لوله حیسان -

فجیره بخشی از نفت خود را بدون عبور از تنگه هرمز صادر می‌کند. اهمیت فجیره در این است که پایانه‌های آن در خارج از تنگه هرمز قرار دارند و همین موقعیت به امارات اجازه می‌دهد بخشی از آسیب‌پذیری خود را کاهش دهد. بنابراین، بحران به تدریج ارزش اقتصادی و امنیتی این نوع زیرساخت‌ها را آشکار می‌کند و احتمال سرمایه‌گذاری بیشتر کشورهای منطقه در مسیرهای مشابه را افزایش می‌دهد.

با وجود این، نباید تصور کرد که خطوط لوله موجود می‌توانند تنگه هرمز را به طور کامل کنار بزنند. حجم انرژی عبوری از تنگه بسیار بیشتر از ظرفیت مسیرهای جایگزین است. بنابراین، حتی اگر عربستان و امارات بتوانند بخشی از صادرات خود را منتقل کنند، در صورت اختلال گسترده، بازار جهانی همچنان با کمبود قابل توجه مواجه خواهد شد. اهمیت اصلی مسیرهای جایگزین نه در حذف تنگه هرمز، بلکه در کاهش میزان وابستگی مطلق به آن است.

این تفاوت برای ایران اهمیت راهبردی دارد. کنترل یا تأثیرگذاری بر یک گلوگاه زمانی بیشترین ارزش سیاسی را دارد که سایر بازیگران گزینه دیگری نداشته باشند. اگر صادرکنندگان بتوانند ۲۰، ۱۰ یا حتی درصد بیشتری از صادرات خود را از مسیر دیگری منتقل کنند، فشار ناشی از اختلال در تنگه هرمز همچنان جدی خواهد بود، اما اثر آن نسبت به شرایط وابستگی کامل کاهش پیدا می‌کند. بنابراین، بحران ممکن است در کوتاه‌مدت اهرم ایران را برجسته‌تر کند، اما در بلندمدت سایر کشورها را به سرمایه‌گذاری برای کاهش همین اهرم سوق دهد.



هرچه بحران طولانی‌تر شود، کشورهای وابسته انگیزه بیشتری برای کاهش آسیب‌پذیری پیدا می‌کنند

بحران و تولد جغرافیای چندمسیره انرژی

این تحول تنها به عربستان و امارات محدود نمی‌شود. عراق نیز در معرض یکی از جدی‌ترین آسیب‌پذیری‌های ساختاری قرار دارد، زیرا بخش بزرگی از درآمد دولت آن به صادرات نفت وابسته است و قسمت عمده صادرات نفت جنوب کشور از مسیر خلیج فارس انجام می‌شود. کاهش صادرات عراق در دوره بحران نشان داد که داشتن ذخایر عظیم نفتی به تنهایی برای تضمین امنیت اقتصادی کافی نیست؛ مسیر انتقال نیز بخشی از امنیت انرژی محسوب می‌شود.

به همین دلیل، بغداد به دنبال توسعه مسیرهای جایگزین از جمله خط لوله صره - حدیسه و اتصال احتمالی به مسیرهای ترکیه، سوریه و اردن است. هدف این پروژه‌ها کاهش وابستگی به پایانه‌های جنوبی و ایجاد

«سرآمد» بررسی می‌کند:

بحران چگونه اهرم تنگه هرمز را فرسوده می‌کند؟

می‌شناسد و محدودیت‌هایی را بر توانایی دولت‌های ساحلی برای جلوگیری از این عبور تعیین می‌کند. در عین حال، مقررات مربوط به ایمنی ناوبری، حفاظت محیط زیست و مدیریت ترافیک دریایی امکان همکاری و تنظیم رفتار کشتی‌ها را فراهم می‌کند. بنابراین، میان «کنترل جغرافیایی» و «اختیار نامحدود حقوقی» باید تفاوت قائل شد.

از این دیدگاه، آینده اهرم ایران ممکن است بیش از آنکه به انسداد کامل تنگه وابسته باشد، به توانایی آن برای تأثیرگذاری بر شرایط امنیت و دسترسی به آن مربوط شود. مدیریت ترافیک، امنیت ناوبری، همکاری منطقه‌ای و ترتیبات مربوط به کاهش ریسک می‌توانند حوزه‌هایی باشند که در آنها موقعیت جغرافیایی ایران به یک ابزار مذاکره تبدیل شود. البته موفقیت چنین رویکردی به واکنش عمان، کشورهای عربی خلیج فارس، واردکنندگان بزرگ انرژی و نهادهای بین‌المللی دریانوردی بستگی خواهد داشت.

تنگه مهم این است که هر چه بحران طولانی‌تر شود، کشورهای وابسته انگیزه بیشتری برای کاهش آسیب‌پذیری پیدا می‌کنند. افزایش ذخایر راهبردی، توسعه خطوط لوله، ساخت پایانه‌های خارج از هرمز، تنوع قراردادهای انرژی و ایجاد ظرفیت‌های جدید LNG، همگی واکنش‌هایی هستند که در بلندمدت می‌توانند اثرگذاری یک گلوگاه را کاهش دهند. بنابراین، استفاده از تنگه هرمز به عنوان ابر فشار دارای یک پیامد پارادوکسیکال است: ممکن است در کوتاه‌مدت قدرت چانه‌زنی ایران را افزایش دهد، اما در بلندمدت سایر بازیگران را به سرمایه‌گذاری برای کاهش این قدرت تشویق کند.

جمع‌بندی

بحران‌های اخیر نشان داده‌اند که جغرافیای انرژی خاورمیانه در حال عبور از یک ساختار متمرکز به سمت شبکه‌ای چندمسیره و انعطاف‌پذیرتر است. تنگه هرمز همچنان اهمیت خود را حفظ خواهد کرد و هیچ یک از خطوط لوله یا پایانه‌های موجود قادر نیستند در کوتاه‌مدت جایگزین کامل آن شوند. با این حال، همین بحران‌ها ارزش واقعی مسیرهای جایگزین را آشکار کرده‌اند و کشورهایی مانند عربستان، امارات و عراق را به سمت کاهش وابستگی به یک مسیر واحد سوق داده‌اند. مفهوم فرسایش تطبیقی اهرم گلوگاه از همین جااهمیت پیدا می‌کند. یک گلوگاه زمانی بیشترین قدرت سیاسی را دارد که وابستگی به آن اجتناب‌ناپذیر باشد. هرچه مسیرهای جایگزین افزایش پیدا کنند، اهمیت فیزیکی یک گلوگاه باقی می‌ماند، اما ارزش سیاسی وابستگی به آن کاهش می‌یابد. از این رو، آینده نقش ایران در تنگه هرمز نه صرفاً به موقعیت جغرافیایی کشور، بلکه به نحوه استفاده از این موقعیت وابسته است.

اگر بحران‌ها به ایجاد شبکه‌ای گسترده از خطوط لوله، پایانه‌ها، ذخایر و مسیرهای جایگزین منجر شوند، هرمز همچنان قلب تجارت انرژی منطقه خواهد بود، اما دیگر تنها مسیر تعیین‌کننده نخواهد بود. در چنین شرایطی، قدرت واقعی نه فقط در کنترل یک گلوگاه، بلکه در توانایی شکل دادن به شبکه‌ای از وابستگی‌ها، مسیرها و ترتیبات امنیتی قرار خواهد داشت. بنابراین، بحران ممکن است در ظاهر ارزش ژئوپلیتیکی هرمز را افزایش دهد، اما در سطحی عمیق‌تر، کشور‌های منطقه و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی را به سمت ساختن جهانی سوق می‌دهد که در آن وابستگی به یک گلوگاه، کمتر از گذشته قابل تبدیل به اهرم فشار باشد.

انعطاف بیشتر در زمان بحران است. اما این مسیرها نیز بدون هزینه ژئوپلیتیکی نیستند. هر خط لوله جدید وابستگی تازه‌ای به کشور ترانزیت، امنیت سیاسی آن و زیرساخت‌های موجود ایجاد می‌کند. در نتیجه، تنوع مسیر به معنای حذف وابستگی نیست، بلکه به معنای توزیع آن میان چند مسیر و چند بازیگر است.

در این میان، وضعیت گاز طبیعی مایع‌شده پیچیده‌تر از نفت است. قطر نمونه بارز این مسئله است. بخش بسیار بزرگی از صادرات LNG این کشور از هرمز عبور می‌کند و برخلاف نفت، ایجاد یک مسیر جایگزین برای گاز نیازمند مجموعه‌ای از زیرساخت‌های به‌هم‌پیوسته شامل انتقال، فرآوری، مایع‌سازی، ذخیره‌سازی و بارگیری است. به همین دلیل، قطر نمی‌تواند صرفاً با ساخت یک خط لوله، وابستگی خود به هرمز را از میان ببرد.

آسیب به زیرساخت‌های انرژی قطر در جریان بحران نیز نشان داد که امنیت انرژی فقط به حفاظت از مسیر دریایی محدود نمی‌شود. تأسیسات تولید و مایع‌سازی نیز بخشی از زنجیره امنیت انرژی هستند و هرگونه آسیب به آنها می‌تواند ظرفیت صادراتی را کاهش دهد. در نتیجه، کشورهای تولیدکننده LNG احتمالاً بیش از گذشته به دنبال افزایش ذخایر، توسعه زیرساخت‌های پشتیبان و ایجاد ظرفیت‌های انعطاف‌پذیر خواهند رفت. عمان در این میان موقعیت متفاوتی دارد. بخش مهمی از زیرساخت‌های صادرات نفت این کشور خارج از تنگه هرمز قرار گرفته و همین مسئله آسیب‌پذیری مستقیم آن را کاهش می‌دهد. موقعیت عمان می‌تواند به مسقط اجازه دهد در مذاکرات مربوط به امنیت ناوبری و آینده کشتیرانی منطقه نقش فعال‌تری ایفا کند. این کشور در عین حفظ روابط خود با کشورهای مختلف منطقه، می‌تواند بر سازوکارهای کاهش تنش، ایمنی کشتیرانی و ایجاد ترتیبات موقت برای عبور کشتی‌ها تأکید کند.

این تغییرات در مجموع یک جغرافیای جدید انرژی را شکل می‌دهند؛ جغرافیایی که در آن خلیج فارس همچنان مرکز اصلی تولید باقی می‌ماند، اما مسیر انتقال انرژی چندلایه‌تر می‌شود. دریای سرخ، بنادر عمان، فجیره، ینع، مسیرهای ترکیه و حتی بنادر اردن و سوریه می‌توانند بخشی از شبکه جدید انتقال انرژی را تشکیل دهند. این شبکه جایگزین کامل تنگه هرمز نخواهد شد، اما وابستگی مطلق به آن را کاهش می‌دهد.

در چنین شرایطی، چین نیز نمی‌تواند تنها از زاویه روابط دوجانبه با ایران به بحران نگاه کند. چین یکی از خریداران مهم نفت ایران است، اما هم‌زمان به نفت عربستان و امارات و LNG قطر نیز وابسته است. بنابراین، منافع پکن در خلیج فارس فراتر از رابطه با تهران است و مستقیماً به ثبات کل شبکه انرژی منطقه مربوط می‌شود. افزایش دانمهی هزینه عبور، بیمه و حمل‌ونقل می‌تواند هزینه‌های اقتصادی چین را افزایش دهد و این کشور را به سمت حمایت بیشتر از تنوع‌بخشی مسیرهای انرژی سوق دهد.

آینده اهرم ایران و بازتعریف قدرت در هرمز

تحولات جدید نشان می‌دهد که مسئله اصلی آینده تنگه هرمز، صرفاً توانایی ایجاد اختلال نیست؛ بلکه نحوه تبدیل موقعیت جغرافیایی به اهرم سیاسی پایدار است. ایران از نظر جغرافیایی و امنیتی جایگاه مهمی در تنگه دارد، اما این موقعیت در چارچوب حقوق بین‌الملل و واکنش کشورهای ساحلی و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی معنا پیدا می‌کند.

کنوانسیون حقوق دریاهای تنگه‌های مورد استفاده در کشتیرانی بین‌المللی، رژیم عبور ترانزیتی را به رسمیت

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریاد عزیزی - اقتصاد سرآمد